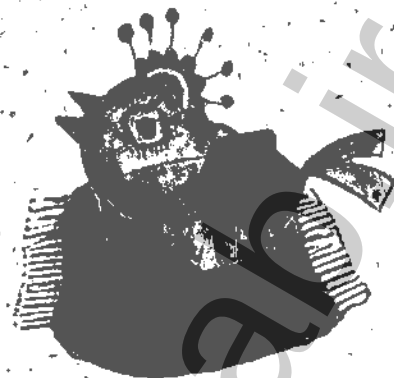




ببل



داستانی از هانس کریستین اندرسن

ترجمه: مسعود روانبخش

نقاشی: محمد مهدی صنعتی





اوسانه
Osaneh

بلبل

هانس کریستین اندرسن

ترجمه: مسعود روانبخش

نقاشی: محمد مهدی صنعتی

ناشر: اوسانه

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۱۰۰

قیمت: ۸۵۰۰ ریال

لیتوگرافی: نودید

چاپ متن: شمشه خوش نگار / چاپ جلد: داد

شابک: ۹۶۴-۹۶۱۸۳-۰۰-۹

آدرس: تهران، ضلع شمال غربی پل سیدخندان،

خیابان شقایق، شماره ۲۸

www.osaneh.ir

info@osaneh.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

بلبل / هانس کریستین اندرسن: ترجمه مسعود روانبخش؛

نقاشی محمد مهدی صنعتی. --- تهران: اوسانه، ۱۳۸۴.

۲۴ ص. مصور (رنگی)

ISBN: 964-96183-0-9 ۸۵۰۰ ریال

عنوان اصلی: Nightingale.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

گروه منی: ج.

داستانهای تخیلی. الف. اندرسن، هانس کریستیان،

Andersen, Hans Christian. م ۱۸۰۵ - ۱۸۷۵

ب. روانبخش، مسعود، ۱۴۴۹ - مترجم.

ج. صنعتی، محمد مهدی، تصویرگر.

۶۳۶ ب ۱۳۰ د

۱۳۸۴

۵۷۸-۸۴م

کتابخانه ملی ایران

هانس کریستین آندرسن^۱ در کودکی به اندازه دخترک کبریت فروش یکی از داستانهایش فقیر بود. او در سال ۱۸۰۵ به دنیا آمد و پدرش پینه دوز تهیدستی بود که پیش از آنکه هانس دوازده ساله شود درگذشت. هانس پس از آن هرگز نتوانست به مدرسه برود، اما خودش را با تئاتر عروسکی سرگرم می کرد - به عروسکها لباس می پوشاند و با آنها نمایش می داد و بی شک رویای قصه هایی را که می خواست بعدها به جهانیان بگوید در سر می پروراند. او زادگاهش، آُدنس^۲، را ترک کرد و در چهارده سالگی به کپنهاگ^۳ رفت. او گرچه در کپنهاگ گرسنگی می کشید، اما دوستانی پیدا کرد و یکی از آنها شاه فردریک ششم^۴ را تشویق کرد که او را به مدرسه دستور زبان بفرستد. هانس هنوز در درسهایش بسیار کند بود و بیش از معمول در مدرسه ماند. زمانی که هنوز پسر بچه ای بیش نبود شروع به سرودن شعر کرد و یکی از نخستین شعرهایش کودک در حال مرگ نه تنها به او در یافتن دوستان جدید کمک کرد، بلکه او را به جهانیان شناسانید. اولین قصه های پریان^۵ش را در سال ۱۸۳۳ هنگامی که سی ساله بود نوشت. داستانهایش آنقدر ساده بودند که مردم خیلی دیر به خوبی آنها پی بردند. زمان درازی گذشت تا هموطنانش باور کنند که هانس بدقبال که او را در کودکی شناخته بودند یکی از بهترین قصه گوین جهان است.

او علاوه بر این داستانها، قصه های عامیانه قدیمی و قصه های پریان جدید، داستانهای عاشقانه، نمایشنامه ها و سفرنامه هایی نیز نوشت چون بیشتر نگران خشنود کردن آدم بزرگها بود تا کوچولوهای شادمان. آندرسن به خارج از کشورش سفر کرد و به ایتالیا و اسپانیا رفت و درباره آنچه دیده بود نوشت. اما باز هم بهترین نوشته هایش را زمانی می نوشت که به سرزمین پریان در همسایگی اش سفر می کرد. آخرین قصه های پریان او در سال ۱۸۷۲ به جهان عرضه شدند. سه سال بعد در حالی که تازه به هفتاد سالگی رسیده بود از دنیا رفت. تمام دنیا برای پسر پینه دوز فقیر آُدنس سوگووار شدند.

1 - Hans Christian Andersen

2 - Odense

3 - Copenhagen

4 - King Frederic VI



داستانی که برایتان خواهم گفت سالها پیش اتفاق افتاده است، اما آنقدر زیبا و شنیدنی است که هرگز فراموشش نخواهید کرد.

همان طور که می دانید، در سرزمین چین امپراتور و مردم همه چینی هستند. امپراتور مالک زیباترین قصر جهان بود که سراسر آن از ظریف ترین و گرانبهاترین و در عین حال شکننده ترین چینی ها ساخته شده بود. در باغ عجیب و غریب ترین گلها روئیده بودند و به زیباترین آنها زنگوله های نقره ای بسته شده بود که یکریز جیرینگ جیرینگ می کردند، چنان که توجه هر رهگذری را به خود جلب می کردند. باغ هیچ عیب و نقصی نداشت و چنان بزرگ بود که حتی خود باغبان نیز ته آن را ندیده بود. اگر در باغ قدم می زدی می توانستی جنگلی زیبا با درختان سر به آسمان کشیده و دریاچه های عمیق را ببینی. جنگل تا کنار دریای آبی و عمیق گسترده بود، دریا آنقدر عمیق بود که کشتی ها می توانستند درست از زیر شاخه های درختان عبور کنند. در میان این جنگل بلبلی آشیانه داشت، بلبلی چنان خوش آواز که حتی ماهیگیر فقیر که شب ها مشغول بیرون کشیدن تور خود از دریا بود با شنیدن آواز او دست از کار می کشید و با خود می گفت: «خدایا، چه آواز زیبایی!» اما باز مجبور بود به کار خود بپردازد و او را از یاد ببرد. اما شب دیگر باز با شنیدن آواز بلبل با تعجب می گفت: «خدایا، چه آواز زیبایی!»